

تهیه ، تدوین و پژوهش: راد مرد

تاریخ سخن میگوید: چگونه آمریکا شکار افراطیون شد؟

(قسمت شانزدهم و آخرین)

لشکرکشی، دسیسه و مداخلات



ما به جغرافی جان وسعت دنیا دادیم
تن آواره به تاریکی شب ها دادیم
بر پر و بال بسی بار خطا می بردیم
هم نه معلوم که ره سوی کجا می بردیم
دل شوریده در آن لانه دلتنگ تو ماند
باز بر بال و پرسوخته مان رنگ تو ماند
که بود مقصد پایانی ما در پس پشت
وای از این صبر گدازان به هر لحظه درشت
ما ولی پا به سر قله هر سال زدیم
در هوای تو برای تو پرو بال زدیم
که نپرسیم به سرآمده ات را از باد
هر چه از هجر کشیدیم در آنها فریاد
می رسانیم پیام نو به عشاق جهان
باز گردیم به سوی تو همه مژده فشان.

با عبور از خط ویرانه مرز تو وطن
خیل درناها بودیم و به یک سیر بلند
نه همه وحشت جان بود درین کوچ سیاه
داده دیروز ز کف سوخته آینده و باز
به همه جای جهان بال کشیدیم ولی
غوطه خوردیم به صد بحر و به امواج زدیم
می گذشتیم به پرواز و از این غم آگاه
آه از آن یار و دیاران دمانم شده دور
روز پر ریخت و شب خسته تن از راه بماند
هر چه کردیم ز بی تابی و هر جا که شدیم
یک دم از یاد تو غافل نگذشتیم و نشد
کوه ها سنگ صبورند ولی می گویند
می سراپیم سرودی که ز خون بال گرفت
تا به یک روز یکی روز به زیبایی وصل

بدنبال یک شورش همگانی در جمهوری دومینیکن ، ایالات متحده برای پنجمین بار در پنجاه و هشت سال گذشته ، به ظاهر برای دفاع از جان و دارائی های امریکائی ها و در واقع برای جلوگیری از پدید آمدن کوبائی دیگر ، وارد این کشور شد . بدنبال گسترش واهمه آمریکا از این موضوع که رهبری نیروهای انقلابی را کمونیست ها بعهده گرفته باشند، در بیست و هشتم آوریل تعدادنیرو های امریکائی در این جمهوری به ۲۰۰۰۰ نفر رسید. نیروهای امریکائی به بهای ۵۹ کشته و ۱۷۴ زخمی، قیام مردمی جمهوری دومینیکن را در هم کوبید.

بعد از اینکه سفیر یونان، با اساس طرح صلح قبرس، بدلیل مغایرت با منافع کشورش مخالفت کرد. لیندن جانسون، رئیس جمهور وقت امریکا، به وی هشدار داد و گفت " قانون اساسی و پارلمان تان را قانیدم، ما اینهمه دالر های خوب امریکائی را به کشور شما سرازیر میکنیم آنوقت، نخست وزیر شما برای ما ، دم از دموکراسی ، پارلمان ، و قانون اساسی میزند؟، بدان که دولت اش دیری نخواهد پایید. یک سال بعد " سیا " از طریق کارگزاران خود به کا نستانتین کمک کرد که دولت را ساقط کند . بعد در ۱۹۶۷ یک کودتای نظامی " دست پخت سیا" دولت پاپاندرو را که شانس پیروزی داشت، و از حمایت منافع امریکا، سر باز زده بود، دو روز قبل از انتخابات ساقط کرد. و برای شش سال بعد حکومت نظامی سرهنگان در یونان مستقر شد. کشتار و شکنجه مخالفین سیاسی به یک امر عادی تبدیل گردید. در راس قدرت، جورجیوس پاپادوپولوس (جاسوس مزد بگیر " سیا" از سال ۱۹۵۲، که در زمان اشغال نظامی یونان توسط نازیسم هیتلری ، رئیس امنیت نازی های آلمانی در یونان بود، این شخص، انقلابیون میهن پرست یونانی را شکار و به جوخه های اعدام می سپرد.) بلا فاصله اعلام حکومت نظامی نمود و تمامی احزاب را تار و مار کرد. در ماه نخست رژیم پاپادوپولوس بیش از ۸۰۰۰ انقلابی چپگرا شکنجه و زندانی شدند. امریکا سرانجام در سال ۱۹۹۹ بود که به عمل خود مبنی بر حمایت و پشتیبانی از فاشیست های یونانی اعتراف کرد.

بعد از گذشت سه سال، از حکومت دست نشانده، "ژنرال انریکو، پراتا آزوردیا"، که با حمایت دولت "جان اف کندی" بقدرت رسیده بود. بدلیل بقدرت رسیدن یک سیاستمدار، با رای مردم، ارتش آمریکا مجدداً به گواتمالا لشکر کشی کرد. اولین اقدام ژنرال پراتا، بعد از بقدرت رسیدن این بود که دستور دهد، هشت رهبر سیاسی اتحادیه صنفی را بقتل برسانند (کامیون های پر از سنگ را از روی این رهبران عبور دادند بودند)

رهبر جدید "جولیو، کیسر" آمریکا را به حاکم مختار گواتمالا تبدیل کرد. در نتیجه کشتی های حامل اسلحه و مهمات امریکائی به سوی گواتمالا سرازیر شد. هواپیما های "سیا" با تیر بار های پنجاه میلی متری و بمب های ناپالم روستا ها را بمباران می کردند. مستشاران نظامی آمریکا به تجهیز نیرو های پلیس گواتمالا پرداخت و به بیش از ۳۰۰۰۰ پلیس گواتمالائی روش ها و تاکتیک های متنوع دستگیری، شکنجه و گم و گور کردن را آموخت. یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا با تمسخر خاطر نشان کرد که "اگر شکنجه و کشتار توسط ما انجام بگردد و قربانیان هم کمونیست باشند، هیچ ایرادی ندارد!"

طی یک عملیات نظامی که توسط "سیا" تدارک ورهبری میشد، پارتیزان افسانه ای بولیوی "چه - گوارا" دستگیر گردید. آمریکا پیشنهاد کرده بود که وی جهت بازجویی زنده نگهداشته شود ولی دولت بولیوی برای جلوگیری از درخواست های بین المللی جهت آزادی وی، او را بقتل رساند. چه - گوارا سی نه ساله بود و مرگش میلیون ها نفر در سراسر جهان را عزادار کرد.

ژنرال "جوز آلبرتو مدرانو" با کمک و بودجه "سیا" اولین جوخه مرگ بسیار بد نام السالوادور را تاسیس کرد. نیرو های امریکائی، جهت انهدام پناهگاه های کمونیست ها در خاک کامبوج وارد این کشور شدند. کمونیست ها از این پایگاه ها جهت حمله به مواضع امریکائی ها و ویتنام جنوبی ها استفاده می کردند. در همان سال به کمک "سیا" سیهانوک از قدرت سرنگون و "لون نول" مرد دلخواه "سیا" به قدرت رسید. لون نول بر خلاف سیهانوک تمام نیروهای کامبوجی را به نفع امریکائی ها بسیج کرد.

با کمک نیروی هوایی آمریکا، یک کودتای خونین که "سیا" تدارک دیده بود و پانصد نفر کشته بر جای گذاشت، رئیس جمهور چیگرای بولیوی "جان، تورس" را سرنگون و ژنرال "هوگو بنزر" را بقدرت رساند. جان تورس کسی بود که در دوران زمامداری اش، نفت و تعداد زیادی از کارخانجات بولیوی را ملی اعلام نمود. و ژنرال هوگو بنزر کسی بود که در مدرسه امریکائی ها آموزش دیده بود و رژیم اش در بکارگیری شکنجه و آزار برای از بین بردن چیگرایان شهرت داشت. هوگودر طول هفت سال دیکتاتوری اش، از سیزده فقره کودتا جان سالم بدر برد و در همین دوره، ۲۰۰ نفر از مخالفین سیاسی اش را بقتل رساند و ۱۵۰۰۰ نفر را زندانی نمود.

بعد از سه سال توطئه چینی، عملیات زیر زمینی و تحریم های اقتصادی شیلی توسط آمریکا، سالوادور آلنده رئیس جمهور مردمی و برگزیده این کشور در جریان یک کودتا کشته و آگوستینو پینوشه بقدرت رسید. پینوشه دیکتاتوری را در شیلی برقرار کرد و در تمام دوران حکومت خود که با شکنجه، قتل، و سربره نیست شدن هزاران شیلیائی همراه بود از حمایت همه جانبه آمریکا برخوردار بود.

در جریان یک جنگ داخلی در آنگولا، آمریکا، سازمان فنلا (جبهه ملی برای آزادی آنگولا) را تسلیح و حمایت نمود. تا بر علیه سازمان میلا (نهضت مردمی برای آزادی آنگولا) که از طرف روس ها حمایت می شد، مبارزه کند. آمریکا از زئیر عملیات جنگی فنلا را سازمان می داد و برایشان از طریق هوا مهمات می ریخت. مشاوران نظامی و ما مورین "سیا" وارد منطقه شدند تا یک شبکه مخفی برای رساندن سلاح های جنگی به آفریقای جنوبی را سازمان دهند. (در این دوره فروش سلاح های امریکائی به آفریقای جنوبی توسط وزارت خارجه آمریکا ممنوع اعلام شده بود). که آفریقای جنوبی در عوض سلاح های مورد نیاز فنلا را تامین نماید. در سال ۱۹۷۶ کنگره آمریکا ارسال اسلحه و مهمات جنگی را به آنگولا قطع کرد، ولی این کمک ها، این بار از طرف موبوتو سه سه سه کو، دیکتاتور زئیر کماکان ادامه پیدا کرد. در طول این دوره، بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر آنگولائی جان خود را از دست دادند و بخش وسیعی از این کشور ویران گردید.

در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر نیروهای آمریکا خاک گواتمالا را ترک کردند و کمک های مالی و نظامی آمریکا به این کشور قطع گردید، بعد از آن این کمک ها کماکان از طریق اسرائیل ادامه پیدا کرد. در این دوره ده ساله، جوخه های مرگ و نظامیانی که توسط "سیا" آموزش و دوره دیده بودند، حدود ۲۰۰۰۰ نفر از مردم گواتمالا را بقتل رساندند. دیکتاتور مورد حمایت آمریکا در نیکاراگوئه "آناستاسیوس سوموزا" سقوط کرد و ساندنیست های مارکسیست بقدرت رسیدند. ساندنیست ها بخاطر اعلام رفورم ارضی و ارائه راه حل هائی برای از بین بردن فقر عمومی، مورد حمایت مردم قرار گرفتند، ولی بقایای گارد ملی و پلیس مخفی بد نام سوموزا با حمایت "سیا" به جنگ چریکی بر علیه ساندنیست ها، در طول دهه هشتاد، ادامه دادند.

بعد از اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی، "سیا" تمامی گروه هائی را که مایل به مبارزه بر علیه شوروی بودند، از جمله مجاهدین (مسلمانان و افسرگرای اسلامی) را مسلح کرده و حمایت مالی نمود. این حمایت ها در خاتمه به امر متشکل شدن طالبان و القاعده کمک موثری نمود.

در بیست و ششم آوریل کارتر اجازه داد تا شش هواپیمای حمل و نقل و هشت هلیکوپتر امریکائی جهت عملیات برای نجات گروگان های امریکائی در ایران ، مورد استفاده قرار گیرد. این عملیات بخاطر تصادم دو هلیکوپتر امریکائی در شب، در حاشیه کویر وگشته شدن هشت خدمه آن ناکام ماند.

" آسکر رومورو " اسقف سانسالوادور به پرزدنت کارتر شکایت کرد با این عنوان (از مسیحی به مسیحی) و از وی درخواست کرد که دست از حمایت جناح راست دولت السالوادور به رهبری دیکتاتور نظامی (رابرتو- آبیوسون) دست بردارد. ولی در همین زمان رومورو بدستور رابرتو در یک مراسم عشا ربانی بقتل رسیدو بلافاصله در کشور حکومت نظامی اعلام گردید. طولی نکشید که جنگ داخلی راه افتاد. " سیا " از دولت رابرتو بر علیه مبارزان ضد دولتی که اکثرا از دهقانان فقیر بودند، با دادن کمک های نظامی و اطلاعاتی حمایت کرد. و بعد به آموزش دادن جوخه های مرگ السالوادور اقدام نمود. تا سال ۱۹۹۲ حدود ۶۳۰۰۰ نفر السالوادوری در این درگیری ها بقتل رسیدند. امریکا قرارگاههای چریکهای ضد دولتی السالوادور را در خاک هندوراس مستقر کرد، و از خاک این کشور جهت حمایت از جوخه های مرگ السالوادور استفاده نمود.

در نوزدهم آگست هواپیما های جنگنده های اف۱۴ امریکا مستقر در ناو هواپیمابر " نی متس " دو جنگنده لیبیائی را بر فراز خلیج سیدرا سرنگون کردند. این عمل بدنبال شلیک یک موشک گرماجو توسط یکی از جنگنده های لیبیائی بود. جهت تداوم کمک های امریکا به چریکهای ضد ساندنیست در السالوادور، " سیا " اقدام به فروش اسلحه به ایران از طریق اسرائیل نموده و سود حاصله از این معاملات را در اختیار چریکهای ضد ساندنیست قرار میداد. " سیا " همچنین اقدام به انتشار جزواتی نمود که در آن چون وچند ساقط کردن دولت ، از طریق کارشکنی، خرابکاری در امور اداری و تولید، شرح داده شده بود. امریکا همچنین با تحریم اقتصادی و تحت فشار دادن بانک جهانی جهت کاهش وام به این کشور، به تلاش های خود جهت ساقط کردن دولت ساندنیست ها ادامه داد. در اکتبر ۱۹۸۳ بدنبال سرنگونی وگشته شدن رهبر محبوب و سوسیالیست جزیره گرانا " موریس بیشاب "، نیروهای امریکا این جزیره را اشغال کردند. دلیل اداری این عملیات ظاهرا درخواست کمک فوری از جانب (اتحادیه کشور های کریبین غربی) بوده است، که برای جلوگیری از عکس العمل خشم آگین مردم و همچنین برای نجات جان دانشجویان امریکائی بوده است. ولی بعد ها نخست وزیر " باربدین " اظهار داشت که هم این درخواست و هم خود تغییر رژیم مدتها پیش توسط امریکا طرح ریزی شده بود. در ابتدای اشغال جزیره ۲۰۰ نظامی امریکائی با مقاومت سخت نیروهای گراندائی و واحدهای کوبائی قرار گرفتند، ولی با افزایش نیروهای امریکائی به ۷۰۰۰ نفر، مدافعان کم کم به مناطق کوهستانی عقب نشینی کردند و سرانجام یک رژیم طرفدار امریکا بر سر کار آمد و اولین اقدامات این دولت از بین بردن آزادی ها و برقراری سانسور و حفقان بود در این درگیری ها ۱۹ امریکائی، ۲۹ کوبائی، و ۴۹ گراندائی جان خود را از دست دادند.

" افرین ریوز مونت " با یک کودتا که از جانب امریکا حمایت میشد، در گواتمالا بقدرت رسید. بعد از کودتا کمک های مالی امریکا به گواتمالا افزایش یافت و ژنرال افرین حکومت نظامی اعلام نمود این ژنرال که در مدرسه امریکائی ها دوره دیده بود، در شش ماه اول زمامداری اش ۲۶۰۰ نفر از بومیان این کشور را قتل عام نمود و در دوره هفده ماهه حکومت اش ۴۰۰ دهکده بومی نشین را کاملا ویران نمود. پرزیدنت ریگان بعد از بازدید از این کشور اعلام کرد " ژنرال افرین خود را وقف آزادی و دموکراسی کرده است "

بدنبال یک عمل انتحاری توسط حزب الله که بر علیه نیروهای امریکائی در لبنان انجام گرفت و در آن ۲۴۱ نفر کشته شدند. جنگنده های امریکائی مستقر در دو ناو هواپیما بر " یو-اس-اس " و " کندی " مناطق مشکوک در سوریه را بمباران کردند. در این عملیات دو جنگنده امریکائی مورد هدف قرار گرفته و یک خلبان امریکائی دستگیر شد. ریگان به " سیا " دستور داد که بر علیه شیخ فدل الله " ؟ " یکی از رهبران حزب الله لبنان اقدام نماید ، لذا یک اتومبیل پر از مواد منفجره توسط یک مامور لبنانی " سیا " در محله پر جمعیت شیعه نشین لبنان کار گذاشته شده بود منفجر شد و دوساختمان هفت طبقه ، یک مسجد و یک سینما را با خاک یکسان کرد. این انفجار نزدیک یک مسجد و همزمان با برگزاری نماز جمعه شب صورت گرفت. شیخ از معرکه جان سالم بدر برد ولی هشتاد نفر از مردم عادی و رهگذران جان خود را از دست دادند. این واقعه خونین و نا موفق سبب شد که ریگان، جواز ترور سازمان سیا را باطل کند. بعد از اینکه ۳۵ نفر از افراد نیروی دریائی لیبی ، با یک کشتی دیدبانی، در آبهای بین المللی توسط ناوگان امریکائی مورد حمله قرار گرفته وگشته شدند، سرهنگ قذافی خطاب به همه اعراب گفت که امریکا را در سراسر جهان مورد حمله قرار دهند. متعاقب این پیام بمبی در یک دیسکوی برلین غربی منفجر شد که در اثر آن دو امریکائی کشته و ۲۳۰ نفر دیگر زخمی شدند. باور عمومی بر این بود که این بمب گذاری زیر سر باند های قذافی باشد، در نتیجه امریکا بعد از ده روز دست به حمله تلافی جویانه زد و تریپولی را بمباران کرد که در اثر آن ۴۰ نفر از جمله دختر خوانده قذافی کشته شدند.

جت نیروی هوائی امریکا به فرانسه رفت و والیه میلیونها دلار به همراه برد و در پشت سرش فقیر ترین کشور جهان را باقی گذاشت. کشوری که بیش از پنجاه درصد جمعیت اش بیکاروبیش از چهارپنجم جمعیت اش بی سواداست کشوری که یک سوم کودکانش قبل از پنج سالگی می میرند. سیا تلاش کرد تا دیکتاتور دیگری را علم کند ولی

مخالفت عمومی بر علیه دخالت مجدد امریکا، اوضاع نا به آرام کشور را تا چهار سال دیگر ادامه داد. سرانجام سیا، سازمان اطلاعات ملی هائیتی را (که ظاهراً برای مبارزه با باند های کوماندینو، مسلح و تربیت اش کرده بود) برای سرکوبی قیام عمومی مردم بکار گرفت. با دستگیری، شکنجه و ترور، در این بیست و یک ماهی که دوالیه را از کشور رانده بودند بمراتب تعداد بیشتری از مردم هائیتی بدست مامورین دولتی کشته شدند تا دوران پانزده ساله حکومت دوالیه!

در تاریخ سوم جولای ۱۹۸۸ ناو هواپیمابر امریکائی (یو اس اس وینسنس) به حریم آبهای ایران تجاوز کرده و با شلیک دو موشک زمین به هوا، هواپیمای مسافربری ایران، پرواز شماره ۶۵۵ را که به مقصد دبی در حال پرواز بود، با ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه متلاشی نمود. امریکائی ها بلافاصله برای لاپوشانی کردن این اشتباه فاجعه بار متوسل به دروغ شدند بطور مثال گفتند که، "هواپیمای ۶۵۵ از تونل هوایی مخصوص پرواز های غیر نظامی خارج شده بود" (واقعیت نداشت)، "اینکه ما در حال حمایت از کشتی ای بودیم که از طرف لیبی مورد حمله قرار گرفته بود" (واقعیت نداشت)، "اینکه ما در حریم آبهای بین المللی بودیم" (واقعیت نداشت)، "اینکه هواپیمای ۶۵۵ به سمت پائین جهت گیری کرده بود" (واقعیت نداشت) "اینکه هواپیمای ۶۵۵ به هشدار های ما اعتنائی نکرد" (واقعیت نداشت) بدلیل اینکه یکی از سربازان امریکائی فراموش کرده بود که سویچ رادار را از کانال نظامی به کانال غیر نظامی تغییر دهد، و در واقع اگر هشدار هم در کار بود، کاپیتان رضائی خلیان ۶۵۵ قادر به شنیدن آن نبود. بعد ها به خدمه این کشتی بخاطر این کار قهرمانانه شان مدال عملیات جنگی اهدا شد، و به فرمانده شان کاپیتان لستینگ بخاطر این دستاورد قهرمانانه اش و توانائی حفظ آرامش و اعتماد بنفس در زیر آتش دشمن، مدال مخصوص از طرف نیروی دریائی اهدا شد. بعد ها نیروی دریائی اعتراف کرد که حمله به هواپیمای مسافربری عملی اشتباه بوده است!

بعد از اشغال کویت توسط عراق، در شانزدهم ژانویه ۱۹۹۱ هیجده کشور هم پیمان برای اجرای عملیات کویر، که به تائید سازمان ملل هم رسیده بود، بر علیه نیروهای عراق وارد عملیات شدند. این حملات نخست با بمباران هوایی و پرتاب موشک های کروز به مواضع عراقی ها شروع و بعد با حملات نیروی زمینی ادامه پیدا کرد. در این جنگ حدود ۱۰۰۰۰۰ سرباز عراقی کشته شد. بعد ها "نیویورکر" انتقاد کرد که بسیاری از کشته شدگان جزو جنایات جنگی امریکا محسوب می شود. که تحت مسولیت ژنرال "بری مک کافری" انجام گرفته است. تنها ۱۶۶ نفر از نیروهای همپیمان کشته شدند که اغلب آنها هم در اثر آتش اشتباهی نیرو های خودی بقتل رسیدند. دو سال بعد از نسل کشی ای که در (رواندا) راه افتاد و حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر هوتو ای کشته شدند، ارتش میهن پرستان رواندا (آر-پی-ای) با همدستی یک نیروی مخالف دولت زئیر که توسط (لارنت کابیلا) رهبری می شد، قسمت شرق زئیر را بتصرف درآوردند. در نتیجه پناهندگان هوتو ای که از جنگ داخلی (۱۹۹۴ - ۱۹۹۰) گریخته و در این مناطق پناه گرفته بودند، متواری و یا کشته شدند. شاهدان عینی می گویند: سربازان امریکائی دوش بدوش ارتش میهن پرستان رواندا، در مناطق (کانگوس) می جنگیدند. وزارت خارجه امریکا هرگونه دخالت امریکا را انکار کرد. ولی این موضوع را که به (آر-پی-ای) قبل از اشغال زئیر آموزش جنگی داده است تائید کرد. پاول کاکامه رئیس جمهور رواندا در زمان جنگ داخلی، در (آر-پی-ای) درجه ژنرال داشت، آموزش دیده مدرسه امریکائی است.

بعد از بمب گذاری "القاعده" در سفارتخانه های امریکا در کینیا و تانزانیا که باعث مرگ ۲۲۴ نفر و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر گردید. پرزیدنت کلینتون دستور یک حمله موشکی به یک کارخانه شیمیائی در سودان را صادر کرد. کلینتون ادعا داشت که این کارخانه در جهت تولید سلاحهای شیمیائی فعالیت می کند. در ادامه همین عملیات، امریکا هفتاد و پنج موشک کروز به یک پایگاه آموزش تروریست در افغانستان شلیک نمود که باعث مرگ ۲۰ نفر غیر نظامی گردید. بعد ها تائید شد که کارخانه بمباران شده در سودان نه تنها سازنده سلاحهای شیمیائی نبود بلکه یک واحد شیمیائی غیر نظامی و در کنترات سازمان ملل بود. این عملیات در بعداز ظهر همان روزی که مانیکا لونیسکی برای اثبات دروغوئی کلینتون در دادگاه عالی شهادت داده بود صورت گرفت.

- وقتیکه یوگسلاوی در جنگ با ارتش هائی بخش کوسوو و انعطافی از خود نشان نداد، در سال ۱۹۹۹ د و بلوک شرق و غرب مشترکاً طرح صلحی را آماده کردند که اسلوبین ملوسویچ از پذیرش آن سر باز زد. امریکا و متحدین اش جنگ را از طریق هوا و دریا علیه یوگسلاوی آغاز کردند. آنها با موشک های کروز، تاسیسات نظامی و غیر نظامی از جمله بیمارستان ها کلیسا ها تاسیسات آب برق، تلفن و همچنین سفارت چین در بلگراد را در هم کوبیدند. این عملیات در واقع جهت فلج کردن دولت ملوسویچ انجام می گرفت که باعث مرگ بیش از ۲۰۰۰ نفر یوگسلاویائی شد. همچنین امریکا از جانب دیگر با تزریق دلار های امریکائی به گروه های مخالف ملوسویچ، اعتصابات و تظاهرات سراسری آنان را وسعت بخشید. که در نهایت ملوسویچ را مجبور به کناره گیری از قدرت نمود. بعد از حمله القاعده به مرکز تجارت جهانی در نیویارک که در آن ۳۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند، امریکا به همراه متحدین اش به افغانستان حمله کرد. بعد از هفتاد و هشت روز نیرو های متحده با همکاری نیرو های احمد شاه مسعود که توسط خود امریکا تجهیز شده بودند، کابل و بیشتر نقاط کلیدی افغانستان را بتصرف درآوردند. در ۹ هفته اول جنگ حدود ۳۸۰۰ افغانی جان خود را از دست دادند. سردمداران طالبان از قدرت ساقط و به کوهها متواری شدند.

حمید کارزار به ریاست جمهوری افغانستان انتصاب شد. بی آنکه در خارج از کابل و نقاط کوهستانی، که تغییرات به کندی انجام می گرفت به رسمیت شناخته شود. در این نقاط قدرت همچنان در چنگ صاحبان مزارع چندین بیلیون دلاری خشخاش، تولید کنندگان هروئین باقی ماند. که میزان تولیدات شان ۳۶۰۰ در صد نسبت به دوران قبل از جنگ افزایش یافته است.

سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم یا به عبارت دیگر عملکرد سازمان جاسوسی سیا. اینک که آمریکا سیاست توسعه طلبانه خود را زیر پرچم دموکراسی پیش می برد و سنگ حقوق بشر را به سینه می زند و باعث از خود بیخود شدن برخی بورژوا دموکرات ها شده است.

۱۹۴۵: از سال ۱۹۴۵ ایالات متحده آمریکا به رهبر بلا منازع دنیای آزاد تبدیل شد. دو کشور آلمان و جاپان از دو کشور جنگ طلب به دو کشور تجاری تبدیل شدند و میلیاردها دالر بودجه طرح مارشال، اقتصاد از هم پاشیده اروپا را بازسازی نمود. تهدید شوروی به عنوان یک مسئله جدی مطرح شد و در همین راستا جنگ سرد برای ۴۵ سال بعد ادامه پیدا کرد. درگیری و جنگ های غیرمستقیم، مسابقه برای تسخیر فضا، بازی های جاسوسی و ضد جاسوسی، تشبثات دیپلماتیک، تحریم بازی های المپیک، تقلیل و از یاد کلاهک های اتمی، موازنه قدرت تخریب و هدف متوقف کردن کمونیسم بود، اما چگونه؟ اهمیتی نداشت! عملیات زیرزمینی، کودتا، حمایت از تروریسم، دخالت و به انحراف کشاندن حرکت های استقلال طلبانه و ناسیونالیستی، همه و همه از جمله تاکتیک هایی بودند که مورد توجه قرار گرفتند.

۱۹۴۶: ارتش آمریکا به منظور مدرنیزه و حرفه ای کردن ارتش کشورهای آمریکای لاتین، در پانامه یک مدرسه آمریکائی تاسیس کرد. از آن تاریخ تاکنون بیش از ۶۰۰۰۰ دانشجوی این مدرسه در رابطه با فنون براندازی، تعلیمات نظامی، جنگ های روانی و روش های مختلف شکنجه برای خدمت به دیکتاتورهای مختلف آموزش دیده اند. ۱۹۴۸: همزمان با سقوط دو شهر منکینگ و شانگهای، نیروی دریایی آمریکا برای حفاظت از سفارت آمریکا و همچنین برای کمک به امر تخلیه اتباع آمریکایی به منکینگ و شانگهای فرستاده شدند.

۱۹۵۳-۱۹۵۰: در جریان اشغال کوریای جنوبی بدست کمونیست های کوریای شمالی (۲۵ ژوئن ۱۹۵۰) که توسط شوروی تجهیز شده بودند و پس راندن نیروهای جنوب تا پشت مدار ۳۸ درجه و تصرف سئول طرف دو روز، حدود ۲/۵ میلیون کشته بر جای ماند. سازمان ملل نو بنیاد، برای اولین بار، با تشکیل نیروی نظامی، دستور تخلیه بدون قید و شرط مناطق اشغالی را صادر کرد. تا آن زمان کوریا برای آمریکا تنها یک منطقه استراتژیک محسوب می شد؛ ولی ترومن رییس جمهور آمریکا که نمی خواست در برابر کمونیسم به سازش و ممانعت متهم شود، به همراه نیروهای سازمان ملل که فرماندهی آنها را بر عهده داشت، از مناطق جنوب دست به حمله زد و نیروهای کوریای شمالی را تا مرزهای چین عقب راند. تا جایی که ارتش چین نیز وارد کارزار شد و جنگ کوریا به گره کوری تبدیل گردید. آیزنهاور رییس جمهور آمریکا، با توجه به امکان وقوع جنگ هسته ای، جنگ را خاتمه داد. تلفات ارتش آمریکا در این جنگ ۳۶۹۴۰ نفر کشته و ۹۲۱۳۴ نفر مجروح بود.

۱۹۶۳-۱۹۵۰: بذر جنگ ویتنام زمانی پاشیده شد که آمریکا، نه تنها درخواست کمک هوشی مین، رهبر مقاومت ملی ویتنام برای رهایی از زیر یوغ استعمار فرانسه را رد کرد، بلکه عملاً از رژیم امپراتور «بائودای» جانبداری نمود، در نتیجه هوشی مین به چینی ها متوسل شد. در سال ۱۹۵۰ مشاوران نظامی نیروهای ویژه آمریکا وارد سایگون شدند و از نزدیک به نحوه استفاده از سلاح های ارسالی آمریکا توسط فرانسوی ها نظارت کردند. تا اواخر سال ۱۹۵۰ آمریکا نصف کل هزینه جنگ فرانسه بر علیه ویتنام را تامین می کرد. در آوریل ۱۹۵۳ هواییماهای ویژه «سیا» شروع به تخلیه تانک و دیگر تجهیزات سنگین برای فرانسوی ها نمودند. طولی نکشید که این کمک ها لائوس را هم در بر گرفت. در سال ۱۹۵۵ اولین مشاوران نظامی آمریکا، برای آموزش های ویژه وارد ویتنام جنوبی شدند و دوش به دوش نیروهای ویتنام جنوبی در جنگ بر علیه شمال وارد جنگ شدند. علاوه بر این آمریکا به مقدار چهل میلیون دلار تجهیزات نظامی به ارتش ویتنام جنوبی تحویل داد. در نوامبر ۱۹۶۳ ژنرال «دونگ ون مینه» فرمانده نیروهای ویتنام جنوبی بر علیه «نگو دینه دیم» نخست وزیر، کودتا کرد. جان اف کندی رییس جمهور آمریکا که در گذشته از «نگو دینه دیم» حمایت می کرد، این بار به ارتش و سفیر آمریکا دستور داد که از کودتا حمایت کنند. از این مقطع به بعد، جنگ دیگر نه جنگ دو ویتنام بلکه به جنگ آمریکا و ویتنام شمالی تبدیل شد.

۱۹۷۹-۱۹۵۳: مدت زیادی از تهدید دکتر مصدق مبنی بر ملی کردن نفت در ایران نگذشته بود که دولتش طی کودتای نظامی که توسط «سیا» طراحی شده و به تأیید آیزنهاور رسیده بود، سرنگون شد و زمام امور به دیکتاتوری پهلوی سپرده شد. در سال ۱۹۵۷ سیا و سرویس جاسوسی انگلیس، سازمان پلیس مخفی شاه، ساواک، را به وجود آوردند. طولی نکشید که ساواک در تمامی عرصه های جامعه ایرانی نفوذ کرد و در عین حال، از جاسوسی در بین دانشجویان مقیم خارج نیز غافل نماند. از همان آغاز پانزده هزار عضو ساواک اختیار کامل داشتند که هر کسی را مشکوک به نظرشان می رسید، دستگیر و زندانی کنند. شاه شخصاً در یکی از قصرهایش، اداره ای بنام «اداره ویژه اطلاعات» جهت کنترل فعالیت های ساواک تشکیل داده بود. دستگاه ساواک، به دلیل سرکوب مخالفین شاه مورد تنفر

عموم مردم بود. بازگشت شاه به قدرت، اولین کودتای موفق امریکایی بود که سیا بر علیه یک کشور خارجی به انجام رساند و از افکار عمومی امریکا مخفی نگه داشته شد.

۱۹۵۴: جاکوبوآربنز، رییس جمهوری مردمی گواتمالا که بعد از کودتای ۱۹۴۴ توسط مردم به ریاست جمهوری برگزیده شده بود، طی یک کودتای دست راستی که توسط سیا رهبری و از سوی دولت آیزنهاور حمایت می‌شد، سقوط کرد. به دنبال این کودتا، مخالفان دست راستی به رهبری کارلوس کاستلو که توسط سیا آموزش و تعلیم دیده بودند، قدرت را به دست گرفتند. اقدامات مردمی جاکوبو وی را با عمده ترین زمیندار گواتمالا یعنی شرکت یونایتد فروت در انداخت. شرکتی که ۵۵۰۰۰ هکتار از زمین‌های ساحلی آتلانتیک را برای صدور موز تصاحب کرده بود، صاحب بزرگترین شرکت حمل و نقل کشور بود و راه‌آهن بین‌المللی امریکای مرکزی و مهم‌ترین بندر کشور را در اختیار داشت. کاستلو بعد از به قدرت رسیدن، تمامی زمین‌های ضبط شده یونایتد فروت را به آن بازگرداند، مالیات بر سود و سهام سرمایه‌گذاران خارجی را لغو کرد، مخفی بودن رأی را در انتخابات ملغی نمود، و هزاران منتقد و مخالف سیاسی را دستگیر و زندانی کرد. جان فاستر دالاس، وزیر امور خارجه امریکا و برادرش آلن دالاس، رییس سیا از جمله سرمایه‌گذاران شرکت یونایتد فروت بودند.

۱۹۵۷: سیا بعد از سال‌ها کمک مالی به مخالفین سوکارنو، رییس‌جمهور اندونزی، سرانجام اقدام به تاسیس مراکز فرماندهی و آموزش در جنوب غربی آسیا نمود. زیردرباری‌های امریکا نیروهای مخالف سوکارنو را در سوماترا پیاده کرد و نیروی هوایی امریکا از هوا برایشان تجهیزات نظامی ریخت. با شروع جنگ، وابسته نظامی مالزی در امریکا، کلنل آلکس کاویلارنگ به مهرة دلخواه سیا تبدیل شد. سیا در بمباران هدف‌های جنگی شرکت می‌کردند برای مثال هواپیماهای سیا یک بازار عمومی را بمباران کردند و صدها نفر از مسیحیانی را که عازم کلیسا بودند کشتند. نیروهای اندونزی با موفقیت یکی از هواپیماهای امریکایی را سرنگون و پیلوت امریکایی آن را دستگیر و به مدت چهار سال زندانی کردند. دخالت امریکایی‌ها، نزد افکار بین‌المللی، برای آنها رسوایی به بار آورد و باعث شد که امریکا دست از حمایت مخالفین سوکارنو بردارد.

۱۹۷۴-۱۹۵۷: در سال ۱۹۵۷ هواپیماهای غیرنظامی سیا دست به یک سری حملات دنباله‌دار بر علیه لائوس زدند. این حملات از شانزده پایگاه بالگرد واقع در ۴۰ مایلی وینتیان در حمایت از چریک‌های «همونگ» بر علیه «پنت لائو» انجام می‌گرفت. این درگیری‌ها در ادامه به تدریج به جنگ امریکا و ویتنام انجامید.

۱۹۵۹: در سال ۱۹۵۷ فرانسیسکو پاپادوک دوالیه رییس جمهور هائیتی شد و سپس خود را رییس جمهور مادام العمر این کشور نامید. در سال ۱۹۵۹، نیروهای اعزامی امریکا که جهت حمایت از رژیم دوالیه وارد هائیتی شده بودند، در اواخر همان سال قیام عمومی مردم هائیتی را بر علیه این دیکتاتور سرکوب کردند. تا زمان مرگ دوالیه در سال ۱۹۷۱ نیروهای امنیتی ویژه وی که «تاتان» نامیده می‌شدند و به شمشیر مسلح بودند، دهها هزار نفر از مردم هائیتی را کشتند و هزاران نفر را شکنجه نمودند.

۱۹۶۰: رییس‌جمهور آیزنهاور به سیا دستور داد که علیه فیدل کاسترو در کوبا وارد عملیات شود. سیا علاوه بر تحریک کوبایی‌ها، سوزاندن محصولات کشاورزی و آتش زدن کشتی‌ها و فلج کردن کارخانجات، به منظور ساقط کردن رژیم کاسترو، ۱۴۰۰ نفر از مخالفین کاسترو را در هفدهم آوریل ۱۹۶۱، مجهز ودر خلیج خوکها پیاده کرد. برخلاف انتظار سیا، مردم کوبا علیه فیدل کاسترو قیام نکردند و حمایت هوایی امریکا که قول آن را داده بود، جامه عمل نپوشید. در عرض سه روز اغلب اشغالگران کشته ویا دستگیر شدند. این اولین باری بود که سیا به یک چنین نتیجه خفت باری تن در می‌داد.

۱۹۶۰: بعد از این که ماریا والاسکو به ریاست جمهوری اکوادور برگزیده شد و سیاست امریکا مبنی بر عدم ارتباط با کوبا را نادیده گرفت و به کمونیست‌ها روی خوش نشان داد، سیا اقدام به نفوذ و رخنه در سازمان‌های چپ و راست اکوادور کرد. همچنین دست به تشکیل سازمان‌های قلابی به منظور ایجاد اغتشاش در فضای سیاسی این کشور زد. در همین رابطه یک مامور سیا اقدام به تشکیل سازمانی بنام «جبهه ضد کمونیستی اکوادور» کرد که بعداً به دلیل وجود سازمانی به همین نام، آن را به «سازمان اقدام ضد کمونیستی اکوادور» تغییر نام داد. سیا همچنین اداره پست و مهاجرت اکوادور را برای جاسوسی و کسب اطلاعات به خدمت گرفت. تمامی این اقدامات بدین جا ختم شد که رژیم والاسکو سرنگون و کارلوس آروسمانا، مأمور حقوق‌بگیر سیا زمام امور را به دست گرفت. ادامه مشکلات و معضلات سابق، سیا را بر آن داشت که اداره امور را به نظامیان اکوادور واگذار کند که بعد از آن بلافاصله کمونیسم غیر قانونی و تمامی آزادی‌های فردی و اجتماعی لغو شد. انتخابات سال ۱۹۶۴ ملغی اعلام گردید و گروهی از افراد مورد تأیید توسط سیا برای از بین بردن چپگرایان مورد استفاده قرار گرفت.

۱۹۶۲: در سال ۱۹۶۲ سیا به یک سری عملیات در برزیل مبادرت ورزید تا از کنترل جوا گالرت بر کابینه برزیل جلوگیری کند. در همین راستا میلیون‌ها دلار به نامزدهای انتخاباتی مخالف گالرت کمک کرد. واهمه امریکا از این بود که تحت رهبری گالرت، برزیل به کمونیسم متمایل شود (با اینکه گالرت خود زمیندار میلیونی بود که برای امریکایی‌ها در عملیات خلیج خوکها در کوبا، آرزوی پیروزی کرده بود!) لذا گالرت به دنبال یک کودتای امریکایی،

سرنگون و ژنرال کاستلو به قدرت رسید. کاستلو با کمک و حمایت سیا، اولین «گروه مرگ» امریکای لاتین را تأسیس نمود.

۱۹۶۴: موبوتو سه سه کو دیکتاتور جبار یکی از فقیرترین کشورهای جهان یعنی زئیر، ۶۵۰۰۰ دلار برای حمل کیک چهار متری عروسی دخترش، از پاریس به ملک شخصی خود هزینه پرداخت کرد. ثروت کلان موبوتو نتیجه کودتای نظامی سیا بود که وی را در سال ۱۹۶۴ به عنوان دیکتاتور زئیر به قدرت رساند. موبوتو در کشور فقیر زئیر همچنان بر ثروت خود می‌افزود. صندوق بین‌المللی پول موبوتو را در سال ۱۹۸۰ بالغ بر چهار میلیارد دالر برآورد کرد. زئیر در زمان موبوتو کمک‌های مالی و نظامی هنگفتی از امریکا دریافت می‌کرد و در عوض تمامی منابع و معادن گرانقدر کشور را در اختیار امریکایی‌ها قرار می‌داد. سیاست‌های ضد کمونیستی موبوتو در دوران جنگ سرد، بوش را در سال ۱۹۸۹ بر آن داشت که موبوتو را یکی از پر ارزش‌ترین دوستان امریکا بنامد. ۱۹۷۵-۱۹۶۴: تا سال ۱۹۶۴ تعداد مستشاران نظامی امریکا در ویتنام جنوبی، ۱۶۵۰۰ نفر بود. در آن سال دو ناوشکن امریکایی اشتباهاً اطلاع دادند که از طرف ناوهای اژدرافکن کوریای شمالی در خلیج تونکن، مورد حمله قرار گرفته‌اند. در آن زمان، کوریای شمالی و امریکا روابط خصمانه‌ای بایکدیگر داشتند. رییس جمهور امریکا لیندن جانسون به پشتوانه این حمله خیالی توانست پیمان «خلیج تونکن» را به تصویب رساند. بعدها، جانسون از این قرارداد به عنوان «دامن مادر بزرگ» که می‌تواند همه چیز را در زیر خود پنهان کند، یاد کرد. این پیمان رییس جمهور را برای انجام اقدامات لازم، در هر ابعادی مجاز می‌کرد. تا سال ۱۹۶۵ تعداد سربازان امریکایی در ویتنام بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ نفر بود. این تعداد در سال ۱۹۶۸ به مرز ۵۴۰۰۰۰ نفر رسید. سربازان امریکایی نمی‌توانستند با تاکتیک‌های جنگ‌های چریکی ویتکنگ‌ها برابری کنند. هر چه جنگ دامنه بیشتری می‌گرفت، امریکایی‌ها امید خود را به پیروزی بیشتر از دست می‌دادند. انتشار اخبار جنگ و تصاویر قتل عام‌ها و کشتارهای وحشیانه، افکار عمومی را بر علیه ادامه جنگ تهییج کرد و موج عظیمی از تظاهرات ضد جنگ به راه انداخت. زمزمه بیرون کشیدن نیروهای امریکایی از ویتنام به گوش رسید و سرانجام در سال ۱۹۷۵ آخرین سرباز امریکایی، از ویتنام خارج شد و مبارزه سی ساله مردم ویتنام برای استقلال میهن‌شان به نتیجه رسید. بیش از ۵۷۰۰۰ سرباز امریکایی و سه میلیون ویتنامی در طول این جنگ جان خود را از دست دادند.

۱۹۶۵: به دنبال شورش مردمی در جمهوری دومینیک، ایالات متحده برای پنجمین بار در پنجاه و هشت سال گذشته، به ظاهر برای دفاع از جان و دارایی‌های امریکایی‌ها و در واقع برای جلوگیری از پدید آمدن کوبایی دیگر، وارد این کشور شد. به دنبال افزایش واهمه امریکا از این موضوع که رهبری نیروهای انقلابی را کمونیست‌ها به عهده گرفته باشند، در ۲۸ آوریل تعداد نیروهای امریکایی در این جمهوری به ۲۰۰۰۰ نفر رسید. نیروهای امریکایی به بهای ۵۹ کشته و ۱۷۴ زخمی، قیام مردمی جمهوری دومینیک را در هم کوبیدند.

۱۹۶۵: پس از این که سفیر یونان، با طرح صلح قبرس، بدلیل مغایرت آن با منافع کشورش مخالفت کرد، لیندن جانسون، رییس جمهور وقت امریکا به وی هشدار داد و گفت: «ما اینهمه دلارهای خوب امریکایی به کشور شما سرازیر می‌کنیم آن وقت نخست وزیر شما برای ما دم از دموکراسی، پارلمان و قانون اساسی می‌زند؟ او بداند که دولتش دیری نخواهد پایید». یک سال بعد سیا از طریق عوامل خود به کنستانتین کمک کرد که دولت یونان را ساقط کند. سپس در سال ۱۹۶۷ کودتای نظامی دست ساخت سیا دولت پایاندرو را که شانس پیروزی داشت و از حمایت از منافع امریکا سر باز زده بود، دو روز قبل از انتخابات ساقط کرد. طی شش سال بعد حکومت نظامیان در یونان حکمفرما شد و کشتار و شکنجه مخالفین سیاسی به یک امر عادی تبدیل گردید. در رأس قدرت، جورجیوس پاپادوپولوس (جاسوس مزدبگیر سیا از سال ۱۹۵۲ که در زمان اشغال نظامی یونان توسط نازیسم هیتلری، رییس امنیت نازی‌های آلمانی در یونان بود و انقلابیون میهن‌پرست یونانی را شکار و به جوخه‌های اعدام می‌سپرد) بلافاصله اعلام حکومت نظامی کرد و تمامی احزاب را سرکوب نمود. در ماه نخست رژیم پاپادوپولوس بیش از ۸۰۰۰۰ انقلابی چپگرا شکنجه و زندانی شدند. امریکا سرانجام در سال ۱۹۹۹ بود که به اقدامات خود مبنی بر حمایت و پشتیبانی از فاشیست‌های یونانی اعتراف کرد.

۱۹۶۶: پس از گذشت سه سال از حکومت دست نشانده «ژنرال انریکو پرالتا آوردیا» که با حمایت دولت جان اف کندی به قدرت رسیده بود، ارتش امریکا مجدداً به دلیل به قدرت رسیدن یک سیاستمدار با رأی مردم گواتمالا به این کشور لشکرکشی کرد. نخستین اقدام ژنرال پرالتا بعد از به قدرت رسیدن این بود که دستور داد هشت رهبر سیاسی اتحادیه صنفی را به قتل برسانند (کامیون‌های پر از سنگ را از روی این رهبران عبور دادند). رهبر جدید دست نشانده امریکا، جولینو کیسر، امریکا را به حاکم مختار گواتمالا تبدیل کرد. در نتیجه کشتی‌های حامل اسلحه و مهمات امریکایی به سوی گواتمالا سرازیر شد. هواپیماهای سیا با تیربارهای پنجاه میلی‌متری و بمب‌های ناپالم روستاها را بمباران می‌کردند. مستشاران نظامی امریکا به تجهیز نیروهای پلیس گواتمالا پرداختند و به بیش از ۳۰۰۰۰ پلیس گواتمالایی روش‌ها و تاکتیک‌های متنوع دستگیری و شکنجه را آموختند. یک مقام وزارت امور خارجه امریکا با تمسخر خاطر نشان کرد که «اگر شکنجه و کشتار توسط ما انجام بگیرد و قربانیان هم کمونیست باشند، هیچ ایرادی ندارد!»

۱۹۶۶: طی یک عملیات نظامی با هدایت و تدارک سیا، پارتیزان افسانه‌ای بولیوی چه گوارا دستگیر گردید. امریکا پیشنهاد کرده بود که وی جهت بازجویی زنده نگه داشته شود ولی دولت بولیوی با هدف جلوگیری از فشارهای بین‌المللی جهت آزادی وی، او را به قتل رساند. چه گوارا سی نه ساله بود و مرگش میلیون‌ها نفر در سراسر جهان را عزادار کرد.

۱۹۶۶: ژنرال جوز آلبرتو مدرانو با کمک و بودجه سیا اولین جوخه مرگ بسیار مخوف السالوادور را تاسیس کرد. ۱۹۷۰: نیروهای آمریکایی، جهت انهدام پناهگاه‌های کمونیست‌ها در خاک کامبوج وارد این کشور شدند. کمونیست‌ها از این پایگاه‌ها جهت حمله به مواضع آمریکایی‌ها و ویتنام جنوبی‌ها استفاده می‌کردند. در همان سال به کمک سیا، سیهانوک از قدرت سرنگون و «لون نول» فرد مورد نظر سیا به قدرت رسید. لون نول بر خلاف سیهانوک تمام نیروهای کامبوجی را به نفع آمریکایی‌ها بسیج کرد.

۱۹۷۱: با کمک نیروی هوایی آمریکا، طی کودتای خونینی که سیا تدارک دیده بود و پانصد نفر کشته بر جای گذاشت، رییس جمهور چپ‌گرای بولیوی جان تورس سرنگون و ژنرال هوگو بنزر به قدرت رسید. جان تورس کسی بود که در دوران زمامداری خود نفت و تعداد زیادی از کارخانجات بولیوی را ملی اعلام کرد و ژنرال هوگو بنزر کسی بود که در مدرسه آمریکایی‌ها آموزش دیده بود و رژیمش در به کارگیری شکنجه و آزار برای از بین بردن چپ‌گرایان شهرت داشت. هوگو در طول هفت سال حکومت دیکتاتوری، از سیزده فقره کودتا جان سالم به در برد و در همین دوره ۲۰۰ نفر از مخالفین سیاسی‌اش را به قتل رساند و ۱۵۰۰۰ نفر را زندانی نمود.

۱۹۷۳: پس از سه سال توطئه‌چینی، عملیات زیرزمینی و تحریم‌های اقتصادی شیلی توسط آمریکا، سالوادرا آلنده، رییس جمهور مردمی و برگزیده این کشور در جریان کودتایی کشته و آگوستینو پینوشه به قدرت رسید. پینوشه حکومت دیکتاتوری را در شیلی برقرار کرد و در تمام دوران حکومت خود که با شکنجه، قتل و سر به نیست کردن هزاران شیلیایی همراه بود از حمایت همه‌جانبه آمریکا برخوردار بود.

درآینه تاریخ



همه با اینه گفتم آری
همه با اینه گفتم که خموشانه مرا می پایید
گفتم ای اینه با من تو بگو
چه کسی بال خیالم را چید ؟
چه کسی صندوق جادویی بی اندیشه من غارت کرد ؟
چه کسی خرمن رویایی گلهای مرا داد به باد ؟
سرانگشت بر اینه نهادم پرسیان
چه کس آخر چه کسی گشت مرا
که نه‌دستی به مدد از سوی یاری برخاست
نه کسی را خبری شد نه هیاهویی در شهر افتاد ؟
اینه
اشک بر دیده به تاریکی آغاز غروب
بی صدا بر دلم انگشت نهاد.

۱۹۵۲-۱۹۴۵

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم ژاپن را به اشغال خود درآورد و پیش نویس قانون اساسی فعلی این کشور را تنظیم کرد.

۱۹۴۵

اتحاد جماهیر شوروی سابق، کوریای شمالی و آمریکا کوریای جنوبی را اشغال کردند. شوروی نظامی کمونیستی را در کوریای شمالی برسر کار آورد و آمریکا با نظارت سازمان ملل انتخابات در کوریای جنوبی برگزار کرد.

۱۹۴۷

رییس جمهور آمریکا، هری ترومن، دکترین ترومن را عرضه کرد که براساس آن آمریکا از «افرادی که در برابر اقلیت‌های مسلح یا فشارهای خارجی مقاومت می‌کنند» حمایت می‌کرد.

۱۹۴۷

آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار کمک مالی در اختیار ترکیه و یونان قرار داد تا با شورشیان کمونیست مبارزه کنند و از قرار گرفتن آنها تحت نفوذ شوروی سابق جلوگیری شود.

۱۹۴۸

سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با تبلیغات و خرید رأی برای جلوگیری از به قدرت رسیدن حزب کمونیست ایتالیا، در انتخابات این کشور اعمال نفوذ کرد.

۱۹۴۹

مناطق تحت کنترل آمریکا در آلمان با مناطق تحت کنترل فرانسه و انگلیس ادغام و جمهوری فدرال آلمان تشکیل شد.

۱۹۴۸-۱۹۵۱

آمریکا کمک‌های فنی و اقتصادی برای احیا کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم در اختیار آنها قرار داد که به طرح مارشال معروف است اما اکثر کشورهای کمونیست آن را رد کردند. کمک‌های مالی و نظامی آمریکا به جمهوری چین که از زمان جنگ چین و ژاپن و جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، به رغم مخالفت ارتش آزادی خلق چین ادامه پیدا کرد.

۱۹۵۰-۱۹۵۳

جنگ کوریا. پس از اشغال کوریای جنوبی توسط کوریای شمالی، سازمان ملل به اتفاق آرا (به جز یوگسلاوی که رأی ممتنع داد) حمایت نظامی از کوریای جنوبی را تصویب کرد که طی آن ده‌ها کشور از جمله آمریکا در جنگ دو کره مداخله نظامی کردند.

۱۹۵۳

سازمان‌های سیای آمریکا و MI-6 انگلیس کودتایی نظامی برای بازگرداندن شاه ایران به قدرت برپا کردند که در نتیجه آن دولت محمد مصدق، نخست وزیر منتخب ملت ایران سرنگون شد.

۱۹۵۴

سرنگونی دولت ژاکوب آربنزگورمان در گواتمالا به دست سیا (عملیات PBSUCCESS)

۱۹۵۶

سیا پس از بمباران صومعه‌های باستانی چاترنگ و لیتانگ توسط چین که هزاران نفر غیر نظامی ساکن آنها طرح آزادسازی صلح آمیز تبت را نقض کرده بودند، به حمایت از جنبش مقاومت چوپی گاندوگ و تنسونگ دانگ لانگ ماکار پرداخت.

۱۹۵۹ و ۱۹۶۳

دوبار تلاش برای قتل ژنرال عبدالکریم قسیم، رییس جمهور عراق (بار دوم موفقیت‌آمیز بود)

۱۹۶۱

اشغال نافرجام خلیج خوک‌ها در کوبا

سیا همچنین قتل پاتریس لومومبا، نخست وزیر کنگو را طراحی کرد و در مرگ وی متهم شد.

علاوه بر این سیا در قتل رافائل لئونیداس تروخیلو، متحد سابق آمریکا در جمهوری دومینیک و همچنین در سرنگونی دولت ژان بوچ رهبر منتخب جمهوری دومینیک نیز نقش داشت.

۱۹۶۳

سیا به سرنگونی دولت خوزه ماریا و لاسکو ابارا، رییس جمهور اکوادور کمک کرد. همینطور از کودتا علیه نگودین دیم، رییس جمهور ویتنام جنوبی پشتیبانی نمود.

۱۹۶۴

سیا به سرنگونی دولت خوا گولارت در برزیل کمک کرد. همچنین به طور پنهانی از انتخاب ادواردو فری مونتالوا به ریاست جمهوری شیلی پشتیبانی نمود.

۱۹۶۵

سیا در سرنگونی دولت سوکارنو در اندونزی و برسرکار آمدن سوهارتو دست داشت. همچنین مقامات سفارت آمریکا در اندونزی فهرستی از پنج هزار نفر کمونیست‌های این کشور را (توسط سیا تهیه شده بود) به دولت اندونزی تسلیم

کردند که همگی اعدام شدند. علاوه بر این آمریکا ۹۰ درصد از ارتش اندونزی را تأمین آموزشی و مالی و تجهیزاتی کرد.

۱۹۷۵-۱۹۴۶

جنگ ویتنام.

سیا در کودتای نظامی که جوزف موبوتو را در سال ۱۹۶۵ در کنگو به قدرت رساند، دست داشت.

۱۹۶۷

حمایت سیا از کودتای نظامیان در یونان منجر به روی کار آمدن حکومتی نظامی در این کشور شد.

۱۹۶۷

آمریکا از رژیم اسرائیل در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ حمایت کرد. همچنین عملیات نظامی سازماندهی شده توسط سیا در بولیوی منجر به قتل چه گوارا گردید.

۱۹۶۸

مشارکت آمریکا در قتل عام تلاتلکو در مکزیک.

همچنین نیروهای آمریکا جاده هوچی مین در لائوس و کامبوج را اشغال کردند تا پشتیبانی لجستیک که از آن مسیر از ویت‌کنگ‌های ویتنام شمالی صورت می‌گرفت، قطع شود.

۱۹۷۰

سیا از کودتا علیه پرنس سیهانوک در کامبوج حمایت کرد.

۱۹۷۱

سیا از کودتا علیه ژان خوزه تورس، رییس جمهور بولیوی حمایت کرد.

سیا در خلال جنگ هند و پاکستان از نیروهای پاکستانی حمایت مالی و نظامی نمود.

۱۹۷۲

سیا در نتایج انتخابات استرالیا دست برد.

همچنین آمریکا با دخالت در امور سیاسی و اقتصادی دولت سالوادور آلنده در شیلی، به نظامیان این کشور کمک کرد دولت وی را سرنگون کنند.

۱۹۷۵

آمریکا از اشغال تیمور شرقی توسط اندونزی حمایت کرد.

۱۹۸۴-۱۹۷۶

سیا از شورشیان یونیتا در آنگولا حمایت می‌کرد.

۱۹۷۶

آمریکا در انتخابات پرتگال و جاماییکا دخالت کرد.

۱۹۸۹-۱۹۷۹

آمریکا از نیروهای مسلح سالوادوران و رییس جمهور خوزه ناپلئون دوارت در خلال جنگ داخلی سالوادور حمایت کرد.

۱۹۹۳-۱۹۷۹

آمریکا از احزاب مخالف کامبوج از جمله خمرهای سرخ در برابر رژیم هنگ سامرین دست نشانده ویتنام حمایت کرد.

۱۹۸۴-۱۹۷۹

دخالت آمریکا در جنگ داخلی یمن.

دهه ۱۹۸۰

- آمریکا از نیکلای چائوشسکو، دیکتاتور رومانی حمایت می‌کرد.

- سیا از خوزه ناپلئون دوارت و سایر سیاستمداران ضد کمونیسم که با جوخه‌های مرگ ارتباط داشتند، حمایت می‌کرد.

- فروش اسلحه به عراق در طی جنگ عراق و ایران

- آموزش کنتراهای نیکاراگوئه و حمایت از رژیم‌های نظامی در هندوراس، گواتمالا، پاناما و آمریکای جنوبی.

۱۹۸۰

سیا از قتل عام گوانگ جو حمایت کرد. سیا و آفریقای جنوبی مشترکاً از کودتایی در سیشل پشتیبانی کردند.

۱۹۸۲

کمک مالی و نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی در خلال جنگ با لبنان.

حمایت از افرین رائوس مونت، دیکتاتور گواتمالا و دست داشتن سیا در کوتایی که وی را به قدرت رساند.

۱۹۸۳

- آمریکا گرانادا را اشغال کرد و دولت مارکسیست آن را سرنگون نمود (عملیات ارجنت فیوری)
۱۹۸۶
- آمریکا در مرگ مرموز سامورا ماچل، رییس جمهور موزامبیک مشارکت داشت.
۱۹۸۷
- آمریکا از کودتا علیه تیموچی باوآردا، نخست وزیر منتخب و قانونی فیجی حمایت کرد.
۱۹۸۹
- اشغال پاناما و دستگیری مانوئل نوریگا به دنبال قتل یک تفنگدار دریایی آمریکا در پاناما و اعلام جنگ از سوی نوریگا، علیه آمریکا.
دهه ۱۹۹۰
- دخالت آمریکا در جنگ داخلی کلمبیا.
۱۹۹۰-۱۹۹۱
- دخالت آمریکا در انتخابات بلغاریا و آلبانی.
حمایت مالی از ویولتا باریوس دوچامرو، کاندید انتخابات ریاست جمهوری در دولت ساندنیست‌های نیکاراگوئه.
پس از اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰، آمریکا از عربستان سعودی خواست پایگاهی نظامی در خاک این کشور برپا کند و شاه فهد از ترس این که هدف بعدی صدام حسین باشد، با این درخواست موافقت کرد.
۱۹۹۱
- آغاز جنگ خلیج فارس به رهبری آمریکا علیه عراق به دنبال اشغال کویت از سوی این کشور.
- سرنگون شدن دولت جاپان برتراند آریستد در هائیتی با پشتیبانی آمریکا.
۱۹۹۰-۲۰۰۳
- آمریکا سازمان ملل را وادار به اعمال تحریم علیه عراق نمود.
۱۹۹۳
- جنگ در موگادیشو.
عزل رائول سدراس از قدرت در هائیتی و اشغال این کشور.
۱۹۹۴
- پشتیبانی آمریکا از دولت مکزیکی در مبارزه با ارتش آزادیخواه ملی زاپاتیستا.
۱۹۹۵
- بمباران صرب‌های بوسنی توسط ناتو .
۱۹۹۸
- انجام عملیات روباه صحرا توسط آمریکا علیه عراق در منطقه پرواز ممنوع با هدف حمایت از کردهای عراق.
-انجام عملیات دستر سی نامحدود، حمله موشکی به افغانستان و سودان، که کارخانه داروسازی الشفاء نیز هدف قرار گرفت.
-بمباران صرب‌ها در جنگ کوزوو توسط ناتو.
۲۰۰۱
- اشغال افغانستان توسط آمریکا.
۲۰۰۲
- اشغال غیرقانونی عراق توسط آمریکا، سرنگون کردن رژیم صدام حسین با این ادعا که با شبکه القاعده ارتباط دارد و تسلیحات کشتار جمعی در اختیار دارد.
۲۰۰۴
- دخالت در انتخابات ریاست جمهوری السالوادور و تهدید به اقدامات تلافی جویانه در صورت انتخاب شافیک هندال، کاندیدای سوسیالیست.
- آمریکا با همکاری اسپانیا و انگلیس، نقشه کودتای نافرجام علیه تئودور ایبانگ نجومه مومباسگو، رییس دولت گینه استوایی را طرح ریزی کرد.
منابع: برعلاوه آنچه که در لابلای مقاله نام برده شده است :
- پروژۀ ی امپراتوری آمریکا - نوشته رابرت دریفوس برگردان: گیلانی.
- جنگ جدید علیه ترور نوام چامسکی - منبع دیدگاه.
- رسانه‌ها و جنون نظامیگری نویسنده: نورمن سلومون منبع: ماهنامه سیاحت غرب.
- پایان امپراطوری نویسنده: دیوید ریف منبع: ماهنامه سیاحت غرب.
- آیا هنوز تهدیدهای تروریستی پابرجاست؟ نویسنده: جان مولر - ماهنامه سیاحت غرب.
- سپتامبر پایان قطعی جنگ سرد، آغاز چه؟- منصور امان.

- راه توده نشریه حزب توده ایران .
- نشریه آسیا تایمز
- عملیات روانی
- مشعل
- اندیشه سبز
- روزنامه شرق
- (بازتاب).
- باشگاه اندیشه
- آرشیف نویسنده
- اشعار از کسرائی ، سهیلی ، کهزاد و صباح .

پایان
